



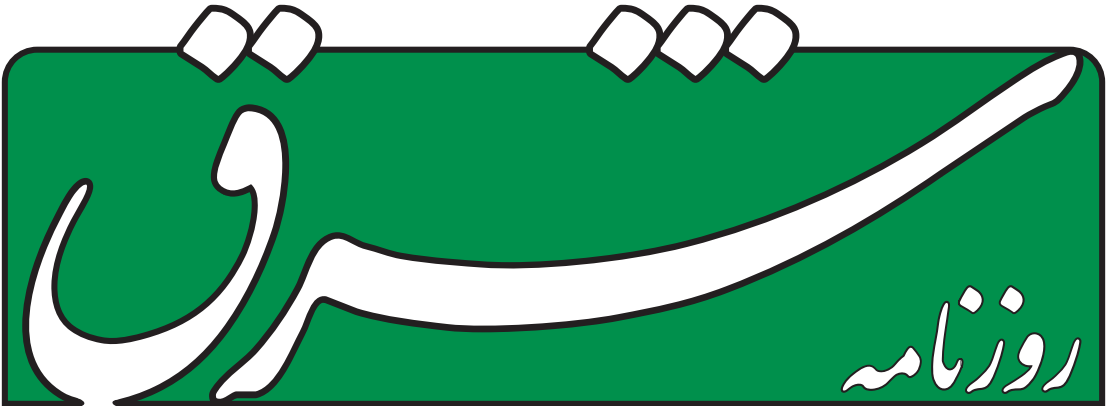
«کری» خطاب به سناتورها:

صبور باشید، تا انتخابات ایران تحریم‌ها را افزایش ندهید

گروه سیاست: جریان میانه‌رو در آمریکا در تلاش است تا از هر ابزاری برای کنترل سیاست‌های تندروانه علیه ایران استفاده کند؛ از حضور در سنا تا انتشار گزارش برای تبیین وضعیت موجود. روز پنجشنبه «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا با حضور در کمیته...

صفحه ۳

شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۲ - ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۳۴ - ۲۰ آوریل ۲۰۱۳



روزنامه

«شورای ملی انتخابات» حکم داد

بازشماری صندوق‌های رای در ونزوئلا

• شمارش آرا، ۳۰ روز طول می‌کشد



عکس: president.ir

همایش جنجالی بر گزار شد

سکوها خالی ماند؛ مشایی نیامد

صفحه ۲

۵ ایرانی تبار در فهرست نامزدهای «کن» ۲۰۱۳

«گذشته» فرهادی

به «نخل طلایی» می‌اندیشد

گروه هنر: ۶۶ عدد خوش‌یمنی برای اروپایی‌ها نیست. اما این عدد به نظر می‌رسد که قرار است برای سینمای ایران شگون داشته باشد و بخت پنج کارگردان ایرانی تبار را در مهم‌ترین رقابت سینمایی جهان رقم بزند. اصغر فرهادی، محسن رسول‌اف، نوید دانش...

صفحه ۷

سال دهم - شماره ۱۷۱۱ - ۱۲ صفحه+۱۶ صفحه ضمیمه - ۱۰۰۰ تومان

سرمقاله

هزینه / فایده‌هایش «آزادی»

داوود محمدی . سردبیر



همایش جنجالی «آزادی» به مرحله اجرایی رسید و پنجشنبه از خط پایان گذشت. اکنون شاید زمان مناسب برای بررسی این نکته باشد که برد و باخت طرفین اصلی ماجرا (حامیان دولت و اصولگرایان) در این کارزار تبلیغاتی چه بود؟

اگر هدف محسوری هر گام انتخاباتی / تبلیغاتی را جلب‌توجه افکار عمومی به کمپین و نامزدی خاص فرض کنیم، آنگاه مشخص خواهد شد اصلی‌ترین رهاورد همایش برای احمدی‌نژاد و حامیان‌ش آن بود که در پی انتقادهای تند و گسترده رقیب اصولگرایی خویش، ابتکارعمل را در کارزار انتخابات به دست گرفتند؛ بدون آنکه زحمت و هزینه زیادی برای برجسته‌سازی این رخداد متقبل شوند. در واقع، اصولگرایان با هجوم تبلیغی پرفشار، ناخودآگاه، موجب شدند رونمایی از نامزد اصلی دولتی‌ها، به صدر فهرست چالش‌های انتخاباتی منتقل شود و نگاه افکار عمومی به سمت نامزد غیررسمی مورد منازعه یعنی مشایی، جلب شود. در کورن فشار تبلیغی اصولگرایان؛ این پرسش نزد مردم و ناظران شکل گرفت که آیا احمدی‌نژاد تن به عقب‌نشینی خواهد داد؟ درست در همین هنگام بود که دومین دستاورد، نصب حامیان دولت شد. زیرا تأکید دولت بر برگزاری «برقدرت» همایش و در نهایت، نقش اجرای آن، باور آذهان حامیان و طیفی از ناظران داخلی و خارجی را به ویژگی پایداری و عقب‌نشینی نکردن احمدی‌نژاد مقابل حمله رقیب عمیق‌تر کرد.

البته «خروجی» همایش برای دولتی‌ها «برد محض» نبود زیرا مراسم در غیبت مشایی، بدون رونمایی رسمی از نامزدی او و حتی با پرهیز از سر دادن شعار رایج «زندگی‌بهار» برگزار شد. ابتدایی‌ترین انگاره آن است که احمدی‌نژاد و مشاورانش به دلیل نگرانی از واکنش‌های بعدی رقیب، به‌ویژه در مرحله بررسی صلاحیت نامزدها، مصلحت را در آن دیده‌اند که ضمن برگزاری مراسم، درون‌مایه آن را از اقدامات و نشانه‌های تبلیغاتی تهی سازند و رونمایی از مشایی را به زمان دیگری موکول کنند. این تصور، هرچند با مصلحت‌سنجی‌های مرسوم عالم سیاست، سازگار است اما با عملکرد مشاهده شده از احمدی‌نژاد به‌خصوص در ماه‌های اخیر، منطبق نیست. بنابراین فاصله گرفتن همایش از تبلیغات مستقیم انتخاباتی را باید در نقطه دیگری رمزگشایی کرد: نقطه‌ای که از جمله دگر باخت‌های دولتی‌ها در «آزادی» محسوب می‌شود؛ یعنی ناکامی در بر کردن سکوهای صدهزار نفری ورزشگاه قدیمی کشور. خبرهای «موفق» از بسیج مقامات ارشد دولت برای گردهم آوردن جمعیتی فروزن‌تر از ظرفیت ورزشگاه حکایت داشت. برنامه‌ریزی دقیق و توسل به شیوه‌هایی مانند سهمیه‌بندی نهادهای دولتی برای گسیل کارکنانشان، وعده پاداش به کارکنان اعزامی، تلاش برای جذب و آوردن افرادی از اقشار غیردولتی به این مراسم دولتی و انتشار خبرهای رسانه‌ای مبنی بر پذیرایی برایه از مدعوین که هرگز توسط دولت تکذیب نشده؛ جملگی، «اثاق فکر» حامیان دولت را امیدوار کرده بود که با اتکا به حضور جمعیت چشمگیر و شور آنان، مراسم را به «میتینگ انتخاباتی» تمام‌عیار مبدل کنند.

اما آنچه در واقعیت اتفاق افتاد با هدف‌گذاری‌ها فاصله بسیار داشت؛ با وجود همه تمهیدات، در ابتدای مراسم نیمی از سکوها خالی بود و هنگامی که بلندگو حاضران را به دریافت ناهار در محوطه بیرونی ورزشگاه فراخواند، بخش بزرگی از مدعوین، روانه محوطه شدند که از بارگشت اغلب آنان به سکوها خبری نشد. به این ترتیب، انبوه سکوهای خالی، اجازه خودنمایی تبلیغی را از دولتی‌ها گرفت و زمانی که بخشی از حاضران نیز افرادی با گروهی، به‌تدریج، مراسم را ترک کردند، دیگر رونقی نماند که وسوسه بهره‌برداری انتخاباتی برانگیزد. احمدی‌نژاد که طبق برنامه از پیش مشخص‌شده باید یک ساعت پس از شروع مراسم و راس ساعت ۱۱ سخنرانی می‌کرد، از این وضعیت بی‌نصیب نماند و حوالی ساعت ۱۷ سخنانش را با تاخیر قابل تأمل «مصاحبه در حالی آغاز کرد که ترجیح داده بود، نه‌تنها، قید رونمایی را بزند بلکه حتی از آوردن همراه همیشگی‌اش به مراسم خودداری ورزد، زیرا چنان رونمایی با اهمیت، تناسبی با سکوهای خالی و فضای بی‌روح «آزادی» نداشت. این تغییر ریل، در عین حال، دولتی‌ها را مجاز می‌کرد تا رقیب اصولگرا را به اتهام‌زنی بی‌پایه و قصاص قبل از جنایت متهم کرده و مدعی شوند که سنگ بنای مراسم انتخاباتی نبوده و دولتی‌ها قربانی افترا بی‌هدفند شده‌اند.

ادامه در صفحه ۲

هنر

«سعدی افشار» در گذشت

تهای آخرین «سیاه»

با آثار و گفتاری از:

سیروس ابراهیم‌زاده، مرتضی احمدی عزت‌الله انتظامی، محمدرضا خاکی قطب‌الدین صادقی، اردشیر صالح‌پور بهزاد فراهانی داوود فتحعلی‌بیگی محمود عزیزی بهروز غریب‌پور هادی مرزبان جمشید مشایخی

صفحه‌های ۷ و آخر

ضمیمه اول هفته



«اخوان» هم ناجی روابط ایران و مصر نشد

طلسم نشکسته

حرف اول - هنر

سعدی افشار در لحظه می‌آفرید

قطب‌الدین صادقی . مدرس تئاتر

«سعدی افشار» بعد از مهدی مصری یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های نمایش سنی ماست به طوری که نام و چهره‌اش نماد این رشته شده بود. او آنچه با خودش به این هنر آورده

بود یکی تجربه عظیمی بود از زندگی خانوادگی و سال‌های سختی که در زندگی‌اش تحمل کرده و او را با فراز و فرودهای یک زندگی نابسامان آشنا کرده بود. هیچ حسی نبود که او تجربه نکرده باشد. دیگر اینکه بسیاری از تکنیک‌هایی که آموخته بود به‌خصوص تکنیک‌های حاضر جوابی و بداهه‌سازی فوق‌العاده‌ای بود که در فن بیان داشت، نه تکنیک‌هایی که در بدن داشت. در زندگی جسمانی خیلی مهارت‌های فراوان دیده نمی‌شد. جلاک‌های مدرن را نداشت. به لفظ دیگر بدنش حامل بازی‌های کمیک دیگری نبود. بخش عمده‌ای از طنز شیرینی و حضور صحنه‌ای‌اش در کلامش بود. حاضر جوابی‌ها و لغزها و شعرا و متل‌ها و واژگون کردن مفاهیم از ویژگی‌های سعدی افشار بود. اما چیزی که به همه اینها یک ویژگی منحصر به فرد داده بود و هیچکس را در تئاتر سنتی مانند او ندیدیم و هر کسی هم که خواسته به نوعی قدم در این عرصه بگذارد یک جوری مرجمش سعدی افشار بود. صدایش بود. یک صدای رنگبار و تقریباً در لحظه داشت. بازی او کهنه نمی‌شد و بازیگری بیرون می‌فرستاد و حاوی همه لطیفه‌ها و شوخی‌ها بود و جذاب سعدی افشار در لحظه می‌آفرید. بارها روی صحنه دیده بودم که در حرکتی آرام روی صحنه به بازیگران دیگر تکتک را با یادآوری می‌کرد. بازیگری بود که فرهنگ مردمی داشت و حضور ذهن فوق‌العاده و غم‌ریزی نیرومند برای خلق در لحظه داشت. بازی او کهنه نمی‌شد و بازیگری استثنایی بود. خیلی موضوعات را به تئاتر تخت حوضی اضافه کرد. من تئاتر تخت حوضی را پیش از مهدی مصری ندیدم؛ اما از سعدی افشار به این سو هیچ‌کس را ندیدم که این‌طور روی صحنه شیرین بازی کند. مردم اصلاً بازی سایر بازیگران را نمی‌دیدند. آنها می‌آمدند که مقدمه‌ای باشند که سعدی روی صحنه باشد و مردم را بخنداند. سعدی افشار بازیگر بزرگ بود و تأثیری از خودش به یادگار گذاشت که در سال‌های آینده در تربیت نسل‌های جدید تئاتر و هنرمندانی که در این وادی قدم می‌گذارند از آنها استفاده می‌کنند. مرگش ضایعه‌ای بزرگ برای تئاتر ایران است. هر چند که در این سال‌ها به دلیل کسالتش نمی‌توانست کار کند و تنها و غمگین بود با این حال اثر خود را گذاشت. خیلی هم ادعای کارهای تئاتری محتوایی و میزانشن‌های بالایی نداشت اما با تکتک مردمی و فطری‌ای که داشت ریتم صحنه را داشت، یک نقش کمیک را روی صحنه خلق می‌کرد و تماشاگر را در طول دو ساعت نمایش با نهایت شغف و شادی در تئاتر نگه می‌داشت. مرد بزرگ بود.

یادداشت . جهان

نمره ناپلئونی در انتخابات ونزوئلا

پر حرف خود «کاپریلیس» پیروز شود. آنچه چاوز را بر سریر قدرت نگه داشت همان اندک حزم و احتیاطی بود که فرو نگذاشته بود ولی این حزم در جانشین او دیده نمی‌شود. نتیجه آنکه اگر هم شمارش آرا درست باشد، یک دوره بیشتر نصیب این رائنده سابق اتوبوس نخواهد شد. حال در چنین شرایطی که نه به‌دار است و نه به‌بار، وای بسا نتیجه شمارش آرا هم چیز دیگری را رقم بزند. آیا درست بود که رییس‌جمهور خوش‌سفر ما شتابان رهسپار آن دیار نرافراج شود؟ اگر در سال ۱۳۸۸ که هنوز شمارش آرای ریاست‌جمهوری در ایران به پایان نرسیده بود، ایشان را همین شتاب به دیار «مدوف» سپرده است.

خالی را با خود همراه سازند، چندان پر و پیمانه نبوده و تا ابد دوام نمی‌آورند. کم‌کم صندوق‌ها خالی و منابع رو به نقصان می‌نهند و آنچه برای می‌ماند بدهی و سررسید است. «مادورو» که از طایفه «بنی‌هندل» پا به عرصه سیاست ونزوئلا گذاشت، بچه مرشدی بود که فقط در سایه مراد زیرک و پوپولیست حسابگر خود «چاوز» قادر به حفظ صندلی خود بود. وی چندصباحی از برکت فضای احساسی فقدان رییس خود بهره گرفت و بر موج سوار شد، به آهستگی اعتبار ناپایدار خود را از کف داد و بر اساس ارقام اعلام‌شده تنها توانسته با نمره ناپلئونی یعنی چند هزار رأی بیشتر بر رقیب



احمد تقییان‌زاده
استاد دانشگاه تهران

بر اساس قانون آهنگین زندگی دنیوی، عمر پوپولیسم چندان دراز نمی‌تواند باشد تا به وعده‌های واهی ادامه دهد. حتی اگر شبینی از کاریزما همراه داشته باشد یا از پشتیبانی قدرتمداران بی‌بصریتی که بر «وهن‌البیوت» تکیه می‌کنند برخوردار باشد زیر امنایی که از آن به‌بذل و بخشش می‌پردازند تا شکم‌های گرسنه و جیب‌های

یادداشت . علم

۳ زلزله خبرساز اخیر ایران

زلزله «شنیه» در استان بوشهر نگذشته بود که در ساعت ۱۵:۱۴ سه‌شنبه ۲۷ فروردین زمین‌لرزه‌ای با بزرگای ۷/۷ در نزدیکی «سراوان» و «خاش» در استان سیستان و بلوچستان روی داد. (۵۶ سال بعد از آخرین زمین‌لرزه با بزرگای بیش از ۷/۵ در ایران -البرز- و ۱۶ سال بعد از آخرین زمین‌لرزه با بزرگای ۷/۰ در شرق ایران)، لحظات اول بیم آن می‌رفت که جامعه‌ای در کشور بدید آمده باشد و یکی از گسل‌های جنوب شرقی ایران در این ناحیه نزدیک به مرز (با روند شمال غرب- جنوب شرق) مسبب رویداد باشد، چرا که در ابتدا زرفای این زلزله حدود ۱۵ کیلومتر اعلام شد، ولی بعد از آنکه معلوم شد خوشبختانه زلزله‌ای زرف رخ داده است (لرزه اصلی ۶۳ کیلومتر و پس‌لرزه‌ها همگی بین ۶۰ تا ۸۰ کیلومتر) و با محاسبه سازوکار زمین‌لرزه (که کششی بود) و مشاهده روند تقریباً شرقی-غربی گسلش، مشخص شد که زمین‌لرزه مربوط به پهنه فروانش مکران است و در ۳۷۰ کیلومتری شمال ساحل مکران رخ داده است. این زلزله در ایران یک کشته داشت، ظاهراً خانمی که برای چیدن گیاهان صحرایی با خانواده به کوهستان‌های سراوان رفته بود، در اثر سنگ‌لغزش در هنگام زلزله کشته شده، اما در پاکستان ۴۰ کشته به جا گذاشت. احساس

ولی بنای جدید تقریباً سالم یا با خسارت کم باقی مانده که البته هنوز هم خالی از سکنه مانده (قبل و بعد از زلزله) و از آن به عنوان انباری استفاده می‌کنند! این نکته مهمی است که از دید معماری، روانشناسی و جامعه‌شناسی نوسازی و بازسازی شهرها و روستاهای ایران بسیار باید به آن توجه شود و نشان می‌دهد که توسعه و پیشرفت صرفاً بتن‌ریزی و توسعه یک‌شکل در جاهای مختلف کشوری متنوع از نظر فرهنگی و اقلیمی و آب و هوایی مانند ایران نیست. زلزله «شنیه» از دیدگاه نزدیک بودن (نسبی) به نیروگاه اتمی بوشهر نیز خبرساز شد. اولین خبرها از این زلزله به عنوان «زلزله‌ای در نزدیکی نیروگاه هسته‌ای ایران» به دنیا مخابره شد و البته بعداً ذکر شد که آسیبی به نیروگاه وارد نشده است. سپس کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس جلسه‌ای را در شهر ریاض برگزار کرده و در مورد فعالیت نیروگاه هسته‌ای بوشهر و نامنی آن ابراز نگرانی کردند. نوع مسکن روستایی، با دیوارها و سقف سنگین) بود. در برخی از موارد، مردم با وجود داشتن خلغای جدید و دارای شنار اقفی و قائم، باز هم به دلایل فرهنگی و روانی، رغبتی به سکونت در خانه‌های جدید نداشتند و حاضر نبودند در آنها ساکن شوند. اتفاقاً در بسیاری از موارد، افرادی که در بنای قدیمی بوده‌اند، به دلیل تخریب آن بنا کشته شده‌اند،



مهدی زارع
دانشیار پژوهشگاه
بین‌المللی زلزله‌شناسی

هنوز چهار روزی از اولین هفته پس از تعطیلات طولانی نوروز امسال نگذشته بود که در ساعت ۱۶:۲۲ بعدازظهر سه‌شنبه ۲۰ فروردین، وقوع زمین‌لرزه‌ای با بزرگای ۶/۱ در ۹۰ کیلومتری جنوب بوشهر، موجب تلفات ۳۷ نفری و خسارت زیاد در شهر کوچک «شنیه» شد. محل بیشترین خرابی در شهر کوچک «شنیه» از توابع «خورموج» مرکز شهرستان دشتی در استان بوشهر بود. تمامی ۳۷ کشته در این زمین‌لرزه مربوط به همین شهر هستند. تقریباً تمام کشته‌ها مربوط به سکونت مردم در خانه‌های نامقاوم و بدون تاب‌آوری در مقابل زمین‌لرزه (از نوع مسکن روستایی، با دیوارها و سقف سنگین) بود. در برخی از موارد، مردم با وجود داشتن خلغای جدید و دارای شنار اقفی و قائم، باز هم به دلایل فرهنگی و روانی، رغبتی به سکونت در خانه‌های جدید نداشتند و حاضر نبودند در آنها ساکن شوند. اتفاقاً در بسیاری از موارد، افرادی که در بنای قدیمی بوده‌اند، به دلیل تخریب آن بنا کشته شده‌اند،

انالله و انا الیه راجعون

بدینوسیله در گذشت عالم جلیل‌القدر **حجت‌الاسلام شیخ علیرضا تاجرنیا** پدر بزرگوار جناب دکتر علی تاجرنیا را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند: مراسم تشییع پیکر آن مرحوم ساعت ۱۶:۳۰ روز شنبه ۱۳۱/۱/۹۲ از مسجد الوندیه شهر قم واقع در خیابان چهارمردان به سمت باغ بهشت برگزار خواهد شد. مجلس ترحیم نیز پس از نماز مغرب و عشاء در همان مسجد منعقد می‌گردد.

انجمن اسلامی جامعه‌پزشکان ایران و کانون دانش‌آموختگان دانشگاه‌های تبریز و علوم پزشکی

